

بسیست و چهارمین سالروز درگذشت

پادشاهان درگذشته ایران

یکباردیگرگذشت زمان؛ مارابه روزهای فراموش نشدنی چهارم و پنجم امردادماه رسانید. دوروزی که یادآوردرگذشت دوحماسه آفرین بزرگ ازجمع حماسه آفرینان هزاران ساله تاریخ کشورمان هستند. دو حماسه آفرینی که باهمت وتلاش مردانه؛ تنها درطول زندگی دونسل ازمردم ایران؛ کشور قرون وسطائی خودرابه شکوفائی هزاره سومی آن رسانیدند و راهی پانصدساله رادرپنجاه سال طی کردند.

شگفتا که دست سرنوشت؛ دو روزی راکه پایان زندگانی این دوقهرمان زندگی سازدرآنها رقم خورده؛ درست بدنبال یکدیگرقرارداده است؛ چنانکه گوئی میخواست یادآوری کند که این حماسه آفرینی؛ دوبخش ازیک واقعیت را تشکیل میداده است. شاید بهمین دلیل نیزاین هردو؛ به یک صورت و در جنوب و شمال یک قاره واحد؛ دور از خاک مقدس میهن دیده از جهان فرو بستند. و هردونیزسالها انتظار را برای بازگشت جاودانی به وطن خود در داخل یک مسجد واحد درقاهره گذرانیدند و میگذرانند.

هنوزکسانی دردرون وبیرون ایران هستند که تمامی حماسه پنجاه ساله شاهان پهلوی را از نزدیک شاهد بوده والزاما" دربخشهایی از آن نیزعملا" شرکت جسته اند. اینان گواهان زنده ای براین واقعیت هستندکه چگونه یک ایران عقب افتاده؛ فقیر و گرسنه و نا امن و در آستانه تحت الحمایگی یک کشوراستعماری بیگانه؛ باهمت رضاه شاه بزرگ تنهادر کمتر از شانزده سال بصورت کشورمستقلی برخوردار ازحاکمیت ملی ویکپارچگی سیاسی وامنیت درآمد. چگونه همین ایران دردوران سی وهفت سال سلطنت پادشاه درخاک خفته؛ ایران ازصورت کشوری که تازه پا به دوران سازندگی خودگذاشته بود؛ تبدیل به کشوری چنان مترقی وشکوفاشد که درمیان بیش ازیکصد مملکت جهان سومی دنیا؛ پیشروترین همه آنها شناخته شد. و از چنان قدرت واحترام جهانی برخوردارگردید که از دوران شاهنشاهی ساسانیان نظیرآن دیده نشده بود.

در زمان همین پادشاه بود که نظم اجتماعی قرون وسطائی ایران؛ درمدتی کمتراززندگی یک نسل؛ جای خود را به یک نظام مترقی قرن بیستمی داد.

- رعیت بی اختیار؛ مقام کشاورز آزادی ریافت که خود صاحب ملک مزروعی خویش شد.
- عمله حقیر؛ تبدیل به کارگرمحترمی شد که درسودکارخانه خود رسماً شرکت داشت.
- در زمان همین پادشاه بود که ضعیفه سنتی؛ بمقام بانوی مترقی رسید که از حقوق مساوی بامردان درهمه زمینه ها برخوردار بود.
- در زمان او بود که روستائینی که غالباً از همه مواهب زندگی مدرن محروم بودند؛ پذیرای سپاهیان دانش؛ سپاهیان بهداشت و سپاهیان ترویج و آبادانی شدند.
- در زمان او بود که به هنگام رفتن؛ علاوه بر میلیاردها دلار سرمایه گذاری در کشورهای مختلف؛ ده ها میلیارد دلار کشورمان ایران ذخیره ارزی داشت.
- در زمان همین پادشاه بود که بدون شلیک یک گلوله و یادادن حتی یک قربانی جنگی؛ ایران حق تاریخی خود را در اوندروود تثبیت کرد.
- در زمان او بود که علاوه بر آموزش رایگان؛ بیش از یکصد دانشگاه و آموزشگاهای عالی تخصصی در سراسر مملکت ایجاد شد.
- در زمان همین پادشاه بود که ایران یکی از ده قدرت اقتصادی اول جهان؛ در میان کلیه ممالک عضو صندوق بین المللی پول به شمار میامد و شرکت ملی نفت ایران در مقام یکی از ده شرکت اول از میان پانصد شرکت سودآور درجه اول دنیا قرار گرفت. در این مقام حتی بر دو شرکت عظیم اکسون و شل پیشی جست. و این نخستین بار بود که یک شرکت غیر عربی؛ در چنین مقامی قرار میگرفت. و از نظر درجه اعتباری کشورهای جهان در فهرست ده کشور معتبر درجه اول دنیا؛ مقام نهم را داشت که هم اکنون به برکت همین حکومت الله بر روی زمین به مقام یکصد و بیست و سوم تنزل یافته است.
- در زمان همین پادشاه بود که ایرانیان از حیثیت و احترام بین المللی روز افزون در دنیا برخوردار بودند و ایران بصورت یکی از مراکز تعیین کننده سیاست بین المللی در جهان درآمد بود.
- همین پادشاه بود که میگفت؛ هنگامیکه اجرای برنامه ضربتی خودم را برای بیرون آوردن مملکت از تاریکیهای قرون وسطائی و جبران عقب ماندگیها آغاز کردم؛ خوب میدانستم که در برابر عوامل مخالف پیشرفت؛ یعنی مرتجعین مذهبی؛ مالکان بزرگ؛ بازاریان و کمونیستها؛ و در عین حال تحریکاتی که توسط نیروهای بین المللی بعمل میامد؛ باید ایستادگی کرد.
- همین پادشاه بود که میگفت؛ خوب میدانم که بابودن آخوندهای قشری؛ امکان هیچ اصلاحی در ایران وجود ندارد. اصولاً هیچ مملکتی نیست که زیر نفوذ متعصبین مذهبی قرار داشته باشد؛ و کشوری عقب افتاده و محروم نباشد.
- برای انجام هرگونه اصلاحات در ایران باید اول آخوندها و روحانی نمایان را سر جای خود نشاناند.

- ما؛ مصمم هستیم هویت ملی خودمان را حفظ کنیم و از فرهنگ ایرانی و ارزشهای آن پاسداری کنیم. معنای این پاسداری آنستکه به سه هزار سال سنتهای ملی خودمان وفادار باشیم و با قاطعیت به جانب استقرار یک جامعه مدرن سنتی با سطح عالی فکری و اجتماعی ادامه دهیم.
- سرانجام همین پادشاه بود که در زمینه سیاست خارجی؛ یکی از برجسته ترین زمامداران تمام جهان بود. بر این واقعیت بسیاری از رهبران و سیاستمداران بلند پایه خارجی در نوشته هائی از آنها که بعد از درگذشت این پادشاه نوشته و منتشر شده است؛ بر آگاهی و احاطه کم نظیر او در مسائل مربوط به سیاست جهانی تاکید گذاشته اند.

بیست و پنج سال پس از پایان یکی از پرشکوه ترین حماسه های تاریخ ایران؛ امروز به دشواری میتوان حتی یک ایرانی را؛ به استثنای جیره خواران و بهره گیران مستقیم مافیای ولایت فقیه پیدا کرد که باتمام وجودش احساس نکرده باشد که در سرزمین اهورائی او؛ چه ظلمی؛ چه جای فروغی را گرفته است. چگونه هر روزی که میگذرد؛ این واقعیت را روشنتر نکرده باشد که؛ هر قدر تاریکی شب زیادتیر شود؛ بیشتر درخواهی یافت که روشنائی روز؛ چه زیبا بوده است.

ملتی که از فردای استقرار حکومت الله بر روی زمین با جنایتها و غارتهای آن آشنا شدند و سربه آسمان برداشته و گریستند و گفتند؛ و همچنان میگویند الهی نور به قبرش ببارد؛ مقایسه میکنند. این مقایسه است که یکی قرین رحمت خداوند میگردد؛ و دیگری سزاوار لعنت ابدی.

مقایسه میکنند میان مردی که به هنگام رفتن؛ مشتکی از خاک ایران برداشت و گریست؛ با آدمی که به هنگام ورود بایران در پاسخ خبرنگاری که پرسید: چه احساس میکند؟ جواب داد هیچ!!!

داوری مردم درباره محمدرضا شاه از همان فردای پیروزی تاریکی بر روشنائی؛ داوری که در اصطلاح ساده خدا بیامرز خلاصه میشود؛ جزو خاطرات مشترک ملی ما شده است.

روانش شاد و یادش همیشه گرامی باد

نوشته : حمید منصوری

بخش از بخش فارسی رادیو اسرائیل

۱۴ آگوست ۲۰۰۴